

مدرسه محله:

* کانون فرهنگی-اجتماعی سازماندهنده محله

* مهندس مریم غروی خوانساری

۸۲/۱۰/۵

تاریخ دریافت مقاله:

۸۴/۲/۳

تاریخ پذیرش نهایی:

چکیده:

در معماری امروز گرایش به کالبد‌های چند عملکردی و چند وجهی مجدداً مورد توجه قرار گرفته است، دیدگاهی که خصوصاً در معماری سنتی ما از بدیهیات طراحی بوده است. مدرسه از جمله عملکردهایی است که با ویژگی‌های خاص خود نه تنها پتانسیل مناسبی در پذیرش عملکردهای مختلف دارد، بلکه می‌تواند نقش‌های متفاوتی در زمینه مسائل اجتماعی و فرهنگی ایفا نماید. در این مقاله سعی بر آن است که پتانسیل‌های ویژه مدرسه‌ای در خدمت محله، تحت عنوان مدرسه محله، معرفی شده، خصوصیات نظیر تمرکز منابع و چگونگی مکان‌یابی بهینه در محله با توجه به نظریه‌های برنامه ریزی و طراحی شهری مورد بررسی قرار گیرد و مشخصات دیگری نظیر مقطع تحصیلی آن پیشنهاد شود. تعیین مکان مناسب برای مدرسه محله، تاثیر این مکان‌یابی بر چگونگی سازماندهی مرکز محله و سلسله مراتب عملکردهای آن و هم چنین تاثیر احداث مسیر پیاده محلی و میدان محلی در جوار مدرسه محله، بر شور و سرزندگی محله، از موارد پرداخته شده در مبحث نهایی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی:

مدرسه، محله، دبیرستان، مرکز محله، میدان محله، میدان فرهنگی.

* این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی ارشد نویسنده تحت عنوان "مدرسه محله چیذر" می‌باشد که بدینوسیله از اساتید محترم راهنما و مشاور آقایان دکتر عیسی حجت و دکتر مهدی حجت تشکر می‌نماید.
** کارشناس ارشد معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
E-mail: m_gharavi78@yahoo.com

مقدمه

ایده آل ترین حالت خود طراحی کالبدی انعطاف پذیر و دارای روابط متنوع خواهد بود که با مکان یابی حساب شده در محله، در ادغام با فعالیت های محلی متناسب با مدرسه، مدرسه و محله بتوانند با توجه به شرایط، با نوبت زمانی یا همزمان، از امکانات تاسیس شده، استفاده نمایند. از پیامدهای این پیوند مدرسه و محله می تواند بهره مندی متقابل مدرسه از منابع محلی باشد، به طوریکه امکانات موجود محله نظیر کتابخانه محله یا پارک محله و همچنین امکانات شخصی افراد محلی از قبیل نیروهای متخصص یا کارگاه های محلی می توانند از فعالیت های مدرسه در صورت لزوم، پشتیبانی نمایند. مزیت اولیه این مشارکت، صرفه جویی اقتصادی حاصل از آن و رفع نابرابری هایی است که در اثر فقدان تسهیلات در بسیاری از محلات یا مدارس بروز نموده است. علاوه بر این، وجود امکانات محلی مناسب در کنار هم، شور و سرزندگی بیشتری به محلات خواهد داد. برخوردها بیشتر خواهد شد و به تقویت هویت محله کمک خواهد نمود.

در این مقاله، سعی بر آن است که با معرفی برخی خصوصیات مدرسه محله، این ایده تبیین گردیده و به رابطه آن با محله بیشتر پرداخته شود.

مدرسه یکی از اجزای محله است که به دلیل اهمیت خود، می تواند فعالیت های متنوعی را از قبیل آموزشی، پرورشی، فراغتی و ... در بر گیرد. این امر، امکان بالقوه ای را در پذیرش نقش های مختلف در جامعه به مدرسه خواهد داد که متأسفانه در وضعیت فعلی، این پتانسیل ها تا حد زیادی نادیده گرفته شده است. دیوارهای بلند اطراف مدرسه، می تواند نمادی از جدایی مدرسه از محیط جامعه و چشم پوشی از نقش های بالقوه مدرسه، چه در عرصه اجتماعی و چه در عرصه فرهنگی باشد.

تعریف اولیه مدرسه محله که مبنای این نوشته قرار گرفته است، مدرسه ای است با تمام فعالیت های متنوع و خاص خود که در عین اینکه عملکرد آموزشی خود را مستقلاً انجام می دهد، قابلیت تعامل با محله در بهره وری از امکانات را نیز دارد. به عبارت دیگر، امکانات آموزشی مدارس می تواند پایه ای در آموزش بزرگسالان قرار گیرد و امکانات کمک آموزشی، نظیر فضای سبز، زمین ورزش، سالن اجتماعات و ... با برنامه ریزی مناسبی به عنوان پارک محله، ورزشگاه محله، سینمای محله یا بخشی از آن عمل نمایند. این تعریف می تواند در اولیه ترین صورت خود، استفاده از فضاهای مدرسه برای امور آموزشی و فراغتی محله در ساعات تعطیلی مدرسه باشد و در

پیشینه ایده

آنها را به عنوان ابزاری برای پرورش و توسعه حس شهروندی و تضمین برابری دسترسی به تسهیلات عمومی در نظر گرفته اند (غفاری، ۱۳۷۷، ۴۵). برخی نمونه های این مدارس، نظیر مدرسه Anglepark در استرالیا و یا Steilshoop در آلمان، اهدافی نظیر رفع کمبودهای محلات فقیرنشین و ایجاد عدالت اجتماعی را دنبال می نمودند (Curtis، ۲۰۰۳). مدارس نظیر مرکز فرهنگی Mornington واقع در یکی از جزایر بومی استرالیا، با اهدافی نظیر حفظ ارزش های بومی و ایجاد رابطه میان نسل های جدید و پیشین تاسیس شده اند (Kennedy، ۱۹۷۸، ۷۸).

ایده مدارس اجتماعی، به نحوی در معماری سنتی ایران نیز مطرح بوده است. در محلات سنتی، فضای مدرسه، تنها به درس و بحث منحصر نبوده، بلکه اهالی هر شهر و محله، در ایام و مناسبت های خاص، از آن استفاده می کردند. برخی از

پیشینه ایده مدرسه محله در تئوری های غربی تحت عنوان مدارس اجتماعی^۱ و همچنین در معماری سنتی ایران، به نوعی قابل ردیابی است.

نظریه مدارس اجتماعی، اولین بار در دهه ۳۰ میلادی در آمریکا، با هدف برآوردن نیازهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی مطرح شد. به طور تقریباً همزمان در انگلستان، مدارس اجتماعی با اهدافی چون برآوردن نیازهای کودکان و بزرگسالان در رابطه با یادگیری، گذران اوقات فراغت، برقراری ارتباط با دیگران و ... ساخته شدند. اما این ایده به دلیل مشکلات ناشی از وقوع جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن تا اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ رواج نیافت. در مورد اهداف اصلی مطرح شده در دوران جدید جهت ایجاد مدارس اجتماعی می توان گفت که در آمریکا، این نظریه به عنوان ابزاری جهت اختلاط نژادها و طبقات مختلف اجتماع به کار رفته است و در انگلیس، مدافعین اینگونه مدارس،

توسعه‌های جدید شهرهای موجود، مدارس می‌توانند با هدف استفادهٔ دوگانه طراحی شوند. شهرهای جدید مکان مناسبی برای تحقق یافتن تفکر ایجاد امکانات آموزشی مناسب و پردیس‌های بزرگ (عمدتاً دبیرستانی) بوده است که بدین ترتیب نه تنها از طریق تمرکز منابع، صرفه جویی اقتصادی شده است، بلکه امکان استفادهٔ مشترک آحاد جامعه از تسهیلات کمک آموزشی نیز فراهم آمده است. ایجاد تسهیلات هم برای مدرسه و هم برای محله بصورت متمرکز و با کاربری بهینه و همچنین تضمین برابری دسترسی محلات به این تسهیلات و رفع فقدان امکانات، از نکات مثبت این ایده است. این تسهیلات می‌توانند در جهت پاسخ به نیازهای متنوع مدرسه و محله از قبیل نیاز کودکان و بزرگسالان به یادگیری، گذران اوقات فراغت و... عمل نمایند. همچنین تجارب موجود نشان داده‌اند که امکان اجرای این تفکر در نواحی درونی شهرهای موجود نیز وجود دارد. چنانچه محلات در وضعیت فعلی، فضای کافی در اختیار نداشته باشند، شهرداری یا نهاد مسئول می‌تواند با تملک املاک مجاور، امکان توسعه را فراهم آورد. کمترین بهره‌وری از چنین رویکردی، استفاده از فضای مدرسه برای محله، در ساعات تعطیل مدرسه می‌باشد، با توجه به آن که فضاهای فرهنگی- فراغتی، عمدتاً در ساعات و ایامی فعال هستند که مدرسه تعطیل می‌باشد.^۲

د) دسترسی مناسب و اقتصاد زمان یکی از نکات مثبت این ایده است. استفاده از اتوبوس برای انتقال دانش‌آموزان از ناحیه‌ای به ناحیهٔ دیگر از شهر و همچنین حرکت سواره مردم محله برای دسترسی به امکانات، هیچگاه خط مشی مطلوبی نبوده است.

ه) این ایده در جهت توسعهٔ جس شهروندی مردم و تقویت سازمان محلات از یکسو و بالا بردن سطح تعامل دانش‌آموزان با جامعه و توجه آنان به محیط اطراف و برقراری ارتباطات چهره به چهره با دیگران از سوی دیگر عمل نموده و به‌طور کلی به رابطهٔ میان طبقات مختلف و تداوم فرهنگ و سنن جامعه، کمک می‌نماید (Curtis، ۲۰۰۲، ۸۶).

و) یکی از معضلات مدارس سنتی، جو خشک آموزشی آنان بوده که موجب مدرسه‌گریزی دانش‌آموزان می‌باشد. مدارس اجتماعی، با عین ساختن آموزش، زندگی اجتماعی و مسائل فراغتی، محیط آموزشی را تلطیف نموده و موجبات جذابیت این محیط و تعلق خاطر دانش‌آموزان به آن را فراهم می‌آورند. ورزش، تفریح، فعالیت‌های فرهنگی- اجتماعی، گذران اوقات فراغت، فعالیت‌های فردی و گروهی، شرکت در مراسم اجتماعی و... همه و همه در ایجاد این تعلق خاطر مؤثر خواهند بود و این آمیختگی آموزش و زندگی موجب نشاط و سرزندگی محیط آموزشی و افزایش تمایل حضور دانش‌آموزان در این محیط می‌شود (سمیع آذر، ۱۳۷۵، ۱۹).

مجالس و عطف، سوگواری و مجالسی که به مناسبت فوت یکی از علما یا سرشناسان شهر برقرار می‌شود، در مدرسه‌ها برگزار می‌گردید. نمازخانه و مسجد متعلق به هر مدرسه، در وقت نمازهای روزانه، علاوه بر طلاب، در خدمت اهالی محله و شهر نیز قرار می‌گرفت. در دورهٔ قاجاریه، علاوه بر آن که مجالس عزاداری در ایام محرم در بعضی از مدرسه‌ها تشکیل می‌شد، در تعدادی از آنها، مراسم تغذیه نیز برگزار می‌گردید. به همین جهت بانیان این مدرسه‌ها، پیش‌بینی‌های لازم برای تامین وسایل و هزینه‌ها و سفارش‌های لازم را در وقف‌نامه‌ها ذکر می‌کردند (سلطانزاده، ۱۳۶۴، ۳۹۹).

تجربهٔ مدارس اجتماعی

نتایج حاصل از تجربهٔ مدارس اجتماعی، در موارد زیر قابل ذکر است:

الف) مشارکت و همکاری وزارتخانه‌ها و ادارات استانی و سازمان‌های محلی امکان‌پذیر خواهد گردید. مشکل اصلی در وضعیت فعلی شکستن تفکر انحصاری یک بخش در برنامه‌ریزی فضای آموزشی است. تمامی نهادهای دست‌اندرکار توسعهٔ فضاهای شهری می‌توانند در تامین نیازهای آموزشی یک جامعه، مشارکت داشته باشند. در این صورت گرایش به سمت مدارس اجتماعی در ایران می‌تواند با هدف جبران کمبودهای ناشی از بودجهٔ ناکافی آموزش و پرورش باشد (بخش عمده‌ای از بودجهٔ دولت مصروف آموزش و پرورش می‌شود اما با توجه به جوان بودن جمعیت کشور، این بودجه حتی برای تامین فضاهای آموزشی کفایت نمی‌کند). از سوی دیگر، سایر نهادها برای توسعهٔ فضاهای پرورشی و فراغتی فعالیت می‌کنند که استفاده از الگوی مدارس اجتماعی در هزینهٔ این نهادها، تا حد زیادی صرفه جویی می‌کند. مثلاً شهرداری می‌تواند ضمن مذاکره، موافقت آموزش و پرورش را جلب نماید تا در قبال توسعه، تجهیز، نوسازی، بهسازی و احداث فضاهای جانبی برای مدارس منطقه، فضای این مدارس به منظور فعالیت‌های فرهنگی و فراغتی در ساعات غیر آموزشی، در اختیار شهروندان قرار گیرد.

ب) ایجاد فضاهای بزرگ آموزشی که مستلزم حجم سرمایه‌گذاری بالاست، همواره خطر عدم استفادهٔ کافی و بهینه از اینگونه فضاها و یا قرارنگرفتن در دسترس کل جامعه را مطرح نموده است (Mowat، ۱۹۷۸، ۶۵). این مشکل عمدتاً مشکلی است اداری و مدیریتی که رفع آن مستلزم همسویی اهداف یا همفکری و همکاری نهادهای مختلف دست‌اندرکار فعالیت‌های مدیریتی جوامع بوده تا از تسهیلات آموزشی، نه تنها دانش‌آموزان، بلکه کل جامعه، بهترین استفاده را ببرند.

ج) از شروع شکل‌گیری شهرها یا شهرکهای جدید و یا

ویژگی‌های مدرسه‌محله

ب- چگونگی مکان‌یابی مدرسه‌محله

از آنجایی که هم موقعیت مکانی امکانات آموزشی در شهر و هم شکل و نحوه تقسیمات شهری دو عامل مهم در ایجاد ارتباط موفقیت‌آمیز میان مردم با فضای آموزشی محسوب می‌شود، مکان‌یابی مدارس از دیدگاه طراحی شهری اهمیت می‌یابد.

مهم‌ترین نظریه طراحی شهری مرتبط با مکان مدارس و متکی بر تعریف محله، نظریه واحد همسایگی می‌باشد. مبنای این نظریه، متکی بر تقسیم کل شهر به زیر مجموعه‌هایی تحت عنوان واحد همسایگی و محلات شهری است. در این انگاره، کل شهر متشکل از واحدهایی است که بصورت سلسله‌مراتبی عمل می‌نمایند. واحد اولیه تقسیم بندی در این نظریه، بر مبنای حدود سرویس‌دهی به یک مدرسه ابتدایی می‌باشد و هر کدام از واحدها، بر حسب سلسله‌مراتبی که در آن قرار دارند، شامل مقادیر معینی از خدمات می‌باشند. (غفاری، ۱۳۷۷، ۱۰۹)

نقطه قوت این نظریه، تاکید خاصی است که بر احیاء حریم و حدود محلات دارد که فوایدی از قبیل بازگرداندن آرامش و ایمنی محلات قدیم به محلات مسکونی و رفع سردرگمی زندگی در شهرهای بزرگ، از نتایج مثبت آن است. اما از آنجایی که در این نظریه به روابط بین محله‌ای و رابطه محله با شهر توجه چندانی نشده است، انتقاداتی بر آن وارد شده که مهم‌ترین آنها عبارتند از عدم ایجاد حق انتخاب و اختیار شهروندان بین تسهیلات مختلف، عدم ارتباط روان دسترسی از طریق سیستم شهری و یا به عبارتی عدم دسترسی راحت محله به شهر و همچنین مشکلات ناشی از افت و خیز تقاضای خدمات محلی یا عدم پاسخ‌گویی حوزه ثابت محله به حوزه سرویس‌دهی خدمات با حوزه نفوذ متغیر (لینچ، ۱۳۷۶، ۲۲۰).

به منظور رفع انتقادات وارده و حل مشکلات مطرح شده، با توجه به جایگیری مدرسه محله در مرکز محله، تغییر مکان مدرسه محله از مرکز ثقل هندسی محله به موقعیتی تحت عنوان مرکز جدید محله واقع در لبه محله و در مجاورت شبکه حمل و نقل شهری، البته با حفظ حریم‌های لازم، پیشنهاد می‌شود. جهت ارتباط مرکز جدید و قدیم محله، پیشنهادهای متنوعی می‌توان ارائه نمود که در ادامه بحث بیان خواهد شد.

مرزبندی محلات به صورت ثابت و مشخص، ریشه بخش عمده دیگری از ایرادات این تئوری می‌باشد که با ارائه تعریف جدیدی از حریم بصورت حوزه‌های همپوش، قابل تجدید نظر می‌باشد (شکل ۱).

مشخصه‌هایی که ایده مدرسه محله را در مقایسه با سایر مدارس متمایز ساخته و آنرا توجیه می‌کند، در سه زمینه، به شرح زیر قابل دسته‌بندی است:

الف- تمرکز تسهیلات در یک مدرسه‌مادر

مطابق نظریه‌های جدید برنامه‌ریزی شهری، برنامه‌ریزی تسهیلات آموزشی، در سطوح مختلف آموزش رسمی (مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان)، می‌بایست در رابطه با کل سیستم شهری در نظر آید و این در تضاد با نگرش سنتی است که مؤسسات آموزشی را از محیط پیرامون خود مجزا دیده و در واقع معتقد به دو فرایند موازی و غیر مرتبط برنامه‌ریزی فضای آموزشی و برنامه‌ریزی فضای شهری بوده است (غفاری، ۱۳۷۷، ۶۴). این امر می‌تواند به نوعی توجیه‌کننده نظریه مدرسه محله از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری باشد. همچنین این نظریه می‌تواند از نظر تئوری‌های مربوط به دو مقوله تمرکز منابع و توزیع منابع در شهر، مورد توجه قرارگیرد. به منظور پیشینه کردن امکان دسترسی به خدمات کمک آموزشی و پرورشی، تسهیلات آموزشی می‌تواند به صورت متمرکز و تحت عنوان یک مدرسه‌مادر که هم به محله و هم به مدارس دیگر سرویس می‌دهد، سازماندهی شود. مزایای این مدرسه‌مادر، در موارد زیر قابل ملاحظه است:

- تنوع و کیفیت خدمات کمک آموزشی که در این صورت ایجاد می‌شوند، امکان استفاده مشترک اینگونه خدمات توسط دانش‌آموزان و جامعه را فراهم می‌آورد و در این صورت جمعیت بیشتری امکان استفاده از خدمات کمک آموزشی را به دست خواهند آورد.

- امکان صرفه جویی اقتصادی حاصل از این روش بسیار زیاد است، چرا که دادن امکانات مختلف و متمرکز در مقیاس بزرگتر در یک مدرسه‌مادر بسیار مقرون به صرفه‌تر از دادن امکانات کوچکتر در همه مدارس است که دچار کمبود تسهیلات هستند.

- امکان کاهش سرانه‌های آموزشی و کمک آموزشی و خدماتی و تاسیساتی فراهم می‌شود، زیرا با تجمیع امکانات و افزایش جمعیت استفاده‌کننده، مقدار فضای مورد نیاز، متناسباً افزایش نیافته و با نسبت کمتری بزرگ خواهد شد.

- امکان استفاده بهینه از آموزگاران تمام وقت و نیروی انسانی متخصص مانند مربی پرورشی، متخصص آزمایشگاه و ... که با توجه به تعداد دانش‌آموز به مدارس اختصاص می‌یابد، میسر می‌شود.

- مدارس بزرگتر امکان آمیختگی گروه‌های مختلف قومی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌آورند.

(Curtis, ۲۰۰۳, ۸).

پیوند با بافت. این نرم فضا می تواند پارک محلی باشد که در این صورت زمین های ورزشی و بازی مدرسه می تواند در آن قرار گرفته و به مدرسه و محله به تناوب سرویس دهند.

۲- ایجاد یک مسیر پیاده از قلب محله به مکان مدرسه در لبه محله، که در عین پیوند با شبکه شهری، دسترسی و تعاملات اجتماعی بین مدرسه و محله را ممکن می سازد.

ج- مقطع مناسب برای مدرسه محله

با توجه به مطالب ذکر شده در این بخش، بدلیل زیر مقطع دبیرستان برای مدرسه محله، مناسب تر به نظر می رسد:

۱- تجهیزات آموزشی متنوع تر دبیرستان که هم برای محله مفیدتر بوده و هم برخی از این تجهیزات برای مقاطع پایین تر تحصیلی امکان استفاده خواهند داشت، امکان تاسیس می یابند.

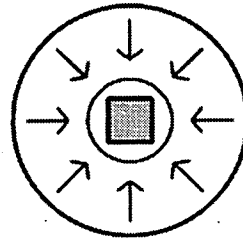
۲- دانش آموزان دبیرستانی رابطه قوی تر و تعامل بیشتری با محله برقرار می کنند چرا که به علت شرایط سنی، آمادگی بیشتری برای ورود به عرصه اجتماع دارند.

۳- مقطع آموزشی مناسب برای مقیاس محلات شهری، در وضعیت کنونی کلان شهرهای کشور (به طور مشخص تهران)، از نظر نوع دسترسی ها و وسعت و تراکم محلات، دبیرستان است. به عبارت دیگر حوزه نفوذ یک دبیرستان می تواند پاسخگوی محدوده یک محله در کلان شهرهای امروزی باشد. مضافاً بر اینکه حوزه نفوذ یک دبیرستان، به علت امکان و توان استفاده دانش آموزان دبیرستانی از وسیله حمل و نقل عمومی، قابلیت باز و بسته شدن دارد و با افت و خیز تقاضا و جمعیت آموزشی، برخورد مناسب تری خواهد داشت. علاوه بر این، متغیر بودن حوزه نفوذ دبیرستان، امکان ایجاد همپوشانی بین محدوده مدارس مختلف را بوجود آورده و در نتیجه اختیار شهروندان و اهالی محلات مختلف در انتخاب مدرسه مورد علاقه خود تامین می شود.

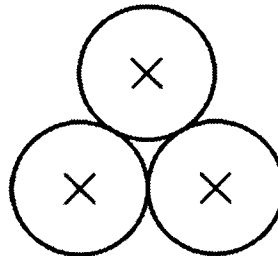
۴- به علت رفت و آمد مستقل دانش آموزان مقطع دبیرستان و امکان استفاده آنان از وسایل حمل و نقل عمومی و عدم نیاز به همراهی والدین در تردد، مشکل ترافیک زیاد و تعبیه پارکینگ برای حجم بالای تردد در مجموعه، تا حد زیادی مرتفع می گردد.

۵- با توجه به آنکه برنامه آموزش و پرورش از حالت فشرده و سنگین و اجباری به سمت برنامه های انتخابی در حال تغییر است و حجم دانش آموزان با توجه به روند رشد جمعیت در این دوره زمانی کم خواهد شد و در نتیجه امکان آن فراهم می شود که به اوقات فراغت بهای بیشتری داده شود، ایجاد دبیرستان های اجتماعی در یک دوره ۱۵ ساله مناسب خواهد بود.

محله سنتی

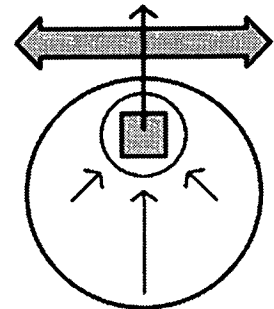


درونگرا-مستقل

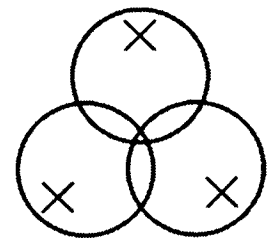


تفکیک کامل حوزه ها

محله جدید



نیمه درونگرا-نیمه مستقل
ارتباط به سیستم شهری



همپوشانی بین حوزه محله ها
ایجاد حق اختیار برای اهالی بین تسهیلات
محلات مختلف

شکل (۱) - مرجع: رساله کارشناسی ارشد نویسنده

مکان یابی مدرسه محله در لبه محله، فواید زیر را در بر خواهد داشت:

۱- سهولت دسترسی از خارج محله به مدرسه و ایجاد امکان استفاده شهر از فضا برای مواقع و مراسم خاص و در نتیجه امکان تعامل و رابطه متقابل اصلی ترین فضای اجتماعی محله با شهر.

۲- انتقال شلوغی و مزاحمت های احتمالی یک فضای جمعی از مراکز مسکونی (که نیاز به آرامش دارند) به محورهای شهری که فضاهای سرزنده تری هستند.

۳- ایجاد امکان انتخاب و احترام به اختیار شهروندان برای استفاده از فضای آموزشی مطلوب خود، به واسطه دسترسی شهری مناسب.

۴- یافتن مکان مناسب به لحاظ وسعت و موقعیت برای مدرسه محله معمولاً در مراکز محدوده های مسکونی دشوار بوده، در حالی که در لبه این محدوده ها، امکان بیشتری برای این امر وجود دارد.

در مورد نحوه قرارگیری و اتصال مدرسه محله به بافت محله، با این هدف که در عین ایجاد رابطه صمیمانه و نزدیک بین فضای آموزشی با محله، پیوند این دو بصورت مناسب و به دور از تراکم برای اهالی انجام پذیرد، موارد زیر پیشنهاد می شود:

۱- استفاده از فضایی به عنوان مفصل، مثلاً یک نرم فضا بصورت بستری مناسب برای مدرسه و واسطه ای برای

همچنین به جهت مسائل فرهنگی و مشکلاتی که روابط دو جانبه و آزاد مدرسه و محله برای حریم و حرمت مدارس دخترانه خواهد داشت، پسرانه بودن مدرسه محله در شرایط فعلی، گریز ناپذیر به نظر می‌رسد. جمع‌بندی خصوصیات مدرسه محله، در جداول (۱) و (۲) آورده شده است.

جدول (۱)

مزایا و محاسن	مشخصات عمومی ایده	
<ul style="list-style-type: none"> - صرفه‌جویی و کاهش سرانه‌ها - راه‌اندازی امکانات جنبی که در واحدهای ادغام نشده دارای صرفه اقتصادی نمی‌باشد - پاسخ به تنوع نیاز مدرسه و محله از نظر یادگیری، گذراندن اوقات فراغت و غیره - رفع فقدان امکانات مدرسه و محله - تبدیل ساختارهای آموزشی صرف به ساختارهایی که به مسائل پرورشی نیز بها می‌دهند - تضمین برابری و عدالت در دسترسی به امکانات آموزشی و پرورشی - دسترسی مناسب و اقتصاد زمان 	<ul style="list-style-type: none"> - استفاده مشترک تسهیلات کمک آموزشی مدرسه با جامعه - تمرکز منابع و تسهیلات - تنوع منابع و تسهیلات 	تعریف مدرسه محله
<ul style="list-style-type: none"> - صرفه جویی در هزینه این سازمانها - استفاده بیشینه و بهینه از تسهیلات عمومی 	<ul style="list-style-type: none"> - مشارکت و همکاری نهادها و ادارات - مختلف برای تامین سرمایه لازم - هم‌فکری و هم‌سویی نهادهای مختلف و مدیریت بهینه 	توجه اجرایی
<ul style="list-style-type: none"> - کاهش ایزولاسیون و انفکاک مدرسه از جامعه، تقویت رابطه مدرسه و محله - تقویت روابط اجتماعی دانش‌آموزان و رابطه طبقات مختلف اجتماع - ایجاد جو سالم محلی، شور و نشاط و سرزندگی بیشتر محله، تقویت هویت محله، بهبود وضعیت کمی و کیفی محیط - توسعه حس شهروندی، نظارت بهتر، پرورش نهادهای مردمی - هماهنگی اهداف مدرسه و محله - کمک‌های مفید و دو جانبه دانش‌آموزان و مردم محله به یکدیگر نظیر استفاده محله از نیروی انسانی مدرسه و استفاده مدرسه از تخصص اهالی و کسبه محل - انطباق فعالیتها و برنامه‌های مدرسه با جریانهای زنده محله و مشارکت مدرسه در آنها - توجه دانش‌آموزان به جامعه خود و سرنوشت و تصمیم‌گیریهای محله - آماده کردن دانش‌آموزان برای ورود به اجتماع 	<ul style="list-style-type: none"> - رابطه متقابل مدرسه و محله - رفع کمبود تسهیلات محله و مدرسه 	اهداف اجتماعی

جدول (۲)

مزایا و محاسن	مشخصات خاص ایده	
<ul style="list-style-type: none"> - تسهیلات وسیع‌تر و متنوع‌تر - صرفه جویی اقتصادی به‌لحاظ کاهش سرانه‌ها و بهره‌وری کاربران مختلف (گروههای مختلف آموزشی) - قابلیت کارکرد در حوزه یک محله به‌لحاظ تراکم بالای شهرهای امروزی (خصوصاً تهران) - برخورد بهتر با افت و خیز تقاضا به‌لحاظ عدم مشکل دسترسی دانش‌آموزان و توانایی در استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی - قابلیت دانش‌آموزان دبیرستانی برای همکاری بیشتر با جامعه و لزوم آمادگی برای ورود به اجتماع 	<ul style="list-style-type: none"> - یک مدرسه مادر در مقطع دبیرستان 	مقطع و اهداف آموزشی
<ul style="list-style-type: none"> - ارتباط با شبکه حمل و نقل شهری و امکان تعامل با شهر - دسترسی راحت و مناسب شهری و ایجاد اختیار برای استفاده شهروندان - کاهش مزاحمت ترافیک و سر و صدا برای محله - کاهش احتمال قطع شدن ساختار محله‌ای و بافت مسکونی - بهره‌مندی از فواید سیستم واحد همسایگی 	<ul style="list-style-type: none"> - شکل‌گیری در محله و در کنار شبکه حمل و نقل شهری - شکل‌گیری در فضای سبز محلی - مشترک نمودن فضای باز عمومی مدرسه و محله - ایجاد مسیر پیاده‌محلی از قلب محله به داخل سایت مدرسه - شکل‌گیری در حد فاصل دو یا چند واحد همسایگی 	موقعیت شهری
<ul style="list-style-type: none"> - قابلیت تنظیم کالبد برحسب برنامه‌های مختلف آموزشی و محلی و امکان بهره‌وری در حالت‌های مختلف از فضا - قابلیت اجرا هم‌درتوسعه جدید شهرها، هم‌درنواحی داخلی شهرها و نیز در شهرهای جدید الاحداث - رابطه انعطاف پذیر مدرسه و محله در عین جدایی و ایمنی مدرسه 	<ul style="list-style-type: none"> - طراحی انعطاف پذیر کالبدی - نیاز به یک الگوی انعطاف پذیر - رعایت حریم و امنیت مدرسه 	طرح معماری

خورده و نسبت و رابطه فضایی بین عناصر مجموعه فرهنگی-آموزشی محله، مشخص خواهد شد. دیاگرام سلسله عملکردهای محلی از مرکز محله (مرکز قدیم) تا مدرسه (مرکز جدید) و بعد از آن در ارتباط با شبکه ارتباطات شهری و همچنین دیاگرام سلسله مراتب فعالیت و کالبدی به ترتیبی که در شکل (۲) نشان داده شده، قابل ترسیم می‌باشد.

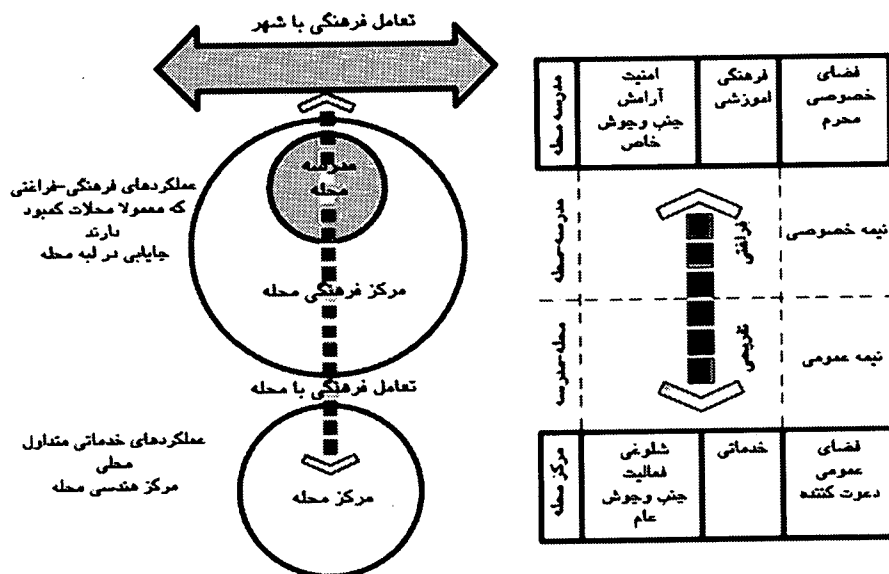
در ادامه پیشنهاداتی راجع به چگونگی عینیت بخشیدن به سلسله مراتب فعالیت‌ها و عملکردها و همچنین جایابی آنها ارائه می‌شود.

این سلسله مراتب از عملکردهای محله به مدرسه، در صورتی به خوبی عمل خواهد کرد که در عین حرکت از کالبد عمومی به خصوصی، بسیار ملایم و بدون ایجاد مانع فیزیکی، حریم‌های لازم ایجاد شود. این سلسله مراتب می‌تواند بسته به شرایط محله و طرح خلاق کالبدی صورت‌های متفاوتی به خود بگیرد. می‌تواند یک مسیر پیاده سبز باشد که از این حوزه‌ها گذشته و در هر مرحله، رنگ و بوی خاص متناسب با آن مرحله را داشته باشد. مثلاً در اطراف بخش‌های آموزشی مدرسه حالت آرام و خصوصی به خود بگیرد و با محوطه باز مدرسه ادغام شود و هر چه به سمت بخش‌های تفریحی و فراغتی پیش می‌رود، حالت عمومی و شلوغی آن بیشتر گردد. این مسیر پیاده که مستقل (و نه الزاماً جدا) از مسیر سواره درون محلی، جریان می‌یابد، می‌تواند با تداوم ما بین نقاط شاخص محله نظیر مدرسه، مسجد، امامزاده و بازارچه، به نوعی موجب اتصال مرکز محله پیشنهادی و مرکز محله پیشین شده و حال و هوای محله‌ای را تقویت نموده و همان‌طور که گفته شد، در جای‌جای طول خود روحیه‌های متناسب با بستر خود را به وجود آورد.

زمینه‌ها و مباحث وسیع دیگری با توجه به جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... در مورد مدرسه محله قابل طرح می‌باشد که از حوصله این مقاله خارج است.

چگونگی سازماندهی محله با توجه به مکان مدرسه محله و خدمات وابسته به آن

با توجه به مطالبی که ذکر گردید، مدرسه می‌تواند با به اشتراک گذاشتن امکانات خود با محله، پاسخگوی نیازهای مختلف آموزشی و فراغتی محله باشد و از این جهت در ایده‌آل‌ترین حالت، سازماندهی امکانات فرهنگی-فراغتی محله در جوار مدرسه می‌تواند تعاملات دو جانبه میان مدرسه و محله را قوت ببخشد. در این حالت، مدرسه به‌عنوان شکل دهنده و سازمان‌دهنده عمده فعالیت‌های مرکز محله (شامل آن بخش از عناصر مرکز محله که به نحوی با مدرسه در تعامل می‌باشند، یعنی مدرسه به آنها نیاز دارد و برعکس) شاخص‌ترین عنصر مرکز محله و قطب متحد‌کننده فرهنگی محله به حساب خواهد آمد. با توجه به مکان‌یابی پیشنهاد شده برای مدرسه محله در این مقاله، سلسله مراتب مفهومی-فعالیتی و کالبدی از این قطب به مرکز محله و بالعکس قابل تصور است. در این صورت می‌توان با دسته‌بندی سلسله مراتبی عملکردها در یک طیف آموزشی-فرهنگی-محلی (محلی، محلی آموزشی، آموزشی محلی، آموزشی) به نحوه جایابی عملکردها از مدرسه به محله رسید و با تشخیص لایه‌های مجموعه از درون مدرسه به محله، عملکردهای "مدرسه‌ای تر" به تدریج به عملکردهای "محلی تر" پیوند



سلسله مراتب فعالیت و کالبدی مدرسه و محله سلسله مراتب عملکردها از مرکز محله به مدرسه

"محلی‌تر" تلقی نمود و در حوزه‌ی مربوطه جایابی کرد. دقت و ظرافت در چگونگی جدایی عملکردهای مدرسه‌ای و محلی و طراحی مفصل مناسب میانی، در این مرحله، اهمیت می‌یابد.

نکته سوم، امکان ارائه فعالیت‌های جدید با توجه به کالبد‌های موجود برای عملکردهای مدرسه و محله است که بسته به خلاقیت و خواسته ساکنین می‌تواند تعریف شود. مثلاً با تعریف جدید از فضاهایی نظیر کلاس‌ها، کتابخانه، غذاخوری، آمفی تاترو سالن چند منظوره می‌توان یک مرکز اوقات فراغت برای جوانان محله تعریف نمود.

نکته چهارم در ملاحظات کالبدی چگونگی استفاده از کاربری‌های مشترک توسط مدرسه و محله است. این امر می‌تواند با لحاظ کردن امتیازات داخلی برای جدا شدن کاربران مدرسه‌ای و محلی در ساعات استفاده مشترک و یا بطور کلی طراحی ورودی‌ها در جناح‌ها یا سطوح مختلف بدنه کالبدی صورت پذیرد.

نکته پنجم توجه به امکان ایجاد یک میدان محلی با توجه به وجود عملکردهای متنوع در مجاورت مدرسه و محله می‌باشد که در زنده کردن روحیه محلات بسیار مؤثر خواهد بود. این میدان می‌تواند با شکل‌گیری در جوار مسیر پیاده محلی پیشنهاد شده در بخش‌های قبل، وقایع و اجتماعات گروه‌های مردمی را درون خود جای داده و جنبه‌های اجتماعی و خاطره‌ای محیط را قوت بخشد. در مورد برنامه‌ریزی امکانات میدان، تشویق و تقویت تنوع فعالیت‌ها، به‌طوریکه فرد بتواند در بیش از یک فعالیت درگیر شود و همچنین پیوستگی فعالیت‌های میدان، چه از نظر مکانی و چه به لحاظ زمانی، بر یکپارچگی و سرزندگی فضا می‌افزاید. فعالیت‌های فضای باز می‌توانند به‌طور سیال در محیط میدان جاری شود و فضای چند عملکردی را به وجود آورند. همچنین توجه به زندگی شبانه‌روزی میدان، یعنی احداث فعالیت‌هایی که بتواند در حداکثر ساعات شبانه روز چه در مورد فعالیت‌های پیرامون میدان و چه وقایع درون آن، به مردم محله سرویس دهد، به سرزندگی میدان و محله کمک شایانی می‌کند. برای این موضوع می‌توان ساعات استفاده شبانه برای برخی فعالیت‌های اطراف میدان مانند سالن ورزش یا قرائت خانه روزنامه و کتابخانه در نظر گرفت و در مورد فعالیت‌های درون میدان رخدادهایی نظیر سینمای فضای باز در شب، کنسرت و اجرای برنامه نورو صدا و کلاً جشن‌ها و مراسم شبانه قابل تصورات است.

علاوه بر این، این مسیر می‌تواند یک محور پیاده متناسب برای رفتارهای مورد نیاز پیاده در محلات امروزی مانند قدم زدن، گردش، پاتوق افراد مختلف، تماشای ویترین مغازه‌ها و... باشد. در واقع آنچه که در محلات سنتی بصورت مسیری برای مراسم آیینی مانند دسته‌های عزاداری، مسیر تشییع جنازه، بدرقه و پیشواز از مسافر و یا چاووش خوانی برای حجاج وجود داشته است، به این صورت در محلات جدید به منصفه ظهور می‌رسد. از نقطه نظر مسائل مربوط به مکان‌های آموزشی محله، این اتصال می‌تواند مزایای زیر را در برداشته باشد:

- ۱- امکان حل مشکلات ناشی از افت و خیز تقاضا از طریق به‌کارگیری مدارس هم‌جوار در هنگام مقتضی.
- ۲- فراهم آوردن امکان مشارکت نیروی کار در تسهیلات مختلف آموزشی و در سطوح مختلف.
- ۳- فراهم آوردن امکان همراهی کودکان بزرگ‌تر و کوچک‌تر در سفرهای روزمره از منزل به مدرسه.

در مورد نحوه تصمیم‌گیری راجع به مکان‌یابی عملکردهای محله به فرض تاسیس مدرسه محله در آن و با تصور حالت ایده‌آل، می‌توان عملکردهای محله را به سه دسته اصلی تقسیم نمود. اول عملکردهای آموزشی-فرهنگی-فراغتی که حوزه عملکردی مدرسه را تشکیل می‌دهند. دوم عملکردهای فرهنگی-فراغتی محلی که با عملکردهای مدرسه سازگار بوده و در مجاورت آن جایابی می‌شوند و سوم، عملکردهای محلی که با عملکردهای مدرسه ناسازگار بوده و لازم است از حوزه مدرسه فاصله داشته باشند. در این تقسیم‌بندی، مطابق پیشنهادات ارائه شده در قبل، عملکردهای گروه اول و دوم، در حوزه مرکز فرهنگی محله یا مرکز جدید پیشنهاد میشوند و گروه سوم، که بیشتر عملکردهای تجاری و خدماتی را شامل می‌شوند، در حوزه مرکز قدیم قرار می‌گیرند.

در مورد گروه‌های عملکردی اول و دوم، چند نکته قابل ذکر است:

نخست آنکه عملکردهای این دو حوزه معمولاً عملکردهایی هستند که کمبود یا نبود آنها در محلات امروز قابل ملاحظه است. تاسیس چنین عملکردهایی در محله موجب نشاط و سرزندگی آن می‌گردد.

دوم آنکه در مورد حد جدایی حوزه عملکردهای گروه‌های اول و دوم بسته به نوع شرایط یا سلیقه اهالی و نیز رفتارهای اجتماعی آنان، می‌توان عملکردی را "مدرسه‌ای تر" یا

نتیجه گیری

چنین مدرسه‌ای مناسب‌تر به نظر می‌رسد. از نظر جایابی در محله، مکان مدرسه محله، در یک سایت سبز در ارتباط با مرکز محله و با جابجایی از مرکز ثقل محله به طرف لبه محله، به جهت ارتباط و تعامل مناسب با شهر و رفع مشکلات دیگر محله پیشنهاد می‌شود.

از نتایج دیگر تاسیس چنین مدرسی، می‌تواند تاثیر مثبت آن در ساماندهی مرکز محله باشد، چرا که در این صورت مدرسه با در برداشتن سایتی که عمده نیازهای کمک آموزشی و فراغتی محله را تامین می‌نماید، به عنوان قطب فرهنگی محله مطرح شده، موجب سازماندهی گروه‌های اجتماعی محلی خواهد بود و شاخص مهمی در جایابی عملکردهای محلی به حساب خواهد آمد. بدیهی است شکل‌گیری کالبدی مدرسه محله و اجزاء آن، در تناسب با رفتارهای اجتماعی ساکنین صورت خواهد پذیرفت.

مدرسه به عنوان یکی از شاخص‌ترین عملکردهای محله می‌تواند هویتی چند عملکردی یافته و امکانات آموزشی، کمک آموزشی، فرهنگی، فراغتی و تفریحی آن به خوبی به خدمت محله نیز درآید. رفع فقدان امکانات مدرسه و محله، صرفه جویی اقتصادی و کاهش سرانه‌ها، استفاده بهینه از تسهیلات عمومی و هماهنگی اهداف مدرسه و محله از مزایای اولیه چنین مشارکتی می‌باشند. همچنین این ارتباط، به جهت ایجاد امکانات برای محله، تقویت رابطه اجتماعی دانش‌آموزان با جامعه و نیز ارتباط بیشتر طبقات مختلف اجتماع به بهانه استفاده از تسهیلات، به دوباره زنده سازی جو سالم محلی و سرزندگی بیشتر محله، تقویت هویت محله و بهبود وضعیت کمی و کیفی محیط کمک خواهد نمود و بستری مناسب جهت توسعه حس شهروندی، نظارت بهتر و پرورش نهادهای مردمی به وجود خواهد آمد. با توجه به دلایل ارائه شده، مقطع دبیرستان برای

پی‌نوشت‌ها:

۱ Community School

۲ ر.ک.به گزارش "تحلیل کیفی نحوه گذران اوقات فراغت شامگاهی در تهران"، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.

فهرست منابع:

- سمیع آذر، علیرضا (۱۳۷۵)، "عوامل تئوریک در نارسایی‌های مدرسه کلاسیک"، مجله مدرسه نو، سازمان توسعه و تجهیز مدارس کشور.
سلطانزاده، حسین (۱۳۶۴)، "تاریخ مدارس ایران"، چاپ اول، انتشارات آگاه.
غفاری، علی (۱۳۷۷)، "اصول و مبانی طراحی فضاهای آموزشی"، جلد سوم، سازمان توسعه و تجهیز مدارس کشور.
لینچ، کوین (۱۳۷۶)، "تئوری شکل خوب شهر"، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران.

- Curtis, Eleanor(2003), "School Builders", Wiley-Academy.
Kennedy, Margrit(1978), "Building for School and Community", Unesco Pub.
Mowat, Susanne(1980), "The school and the community", Unesco Pub.
Noal, Sarah(2003), "Educational Spaces", The Images Pub.

